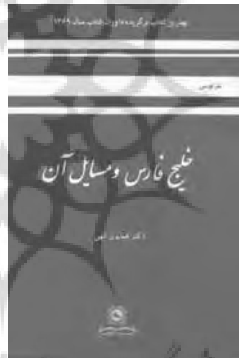


مسائل خلیج فارس

● مه‌ری کزازی

کارشناس ارشد تاریخ خلیج فارس، دانشگاه تهران



■ خلیج فارس و مسائل آن

■ همایون الهی

■ تهران، نشر قومس؛ ۱۳۸۹؛ تعداد صفحات: ۳۵۲

خلیج فارس از مصب اروند رود که خود از پیوستن کارون، دجله و فرات به وجود آمده تا شبه جزیره مسندم در عمان امتداد و از طریق دریای عمان با اقیانوس هند ارتباط دارد و تنگه هرمز حدفاصل خلیج فارس و دریای عمان است. این منطقه که هشت کشور حاشیه آن، خلیج فارس و تنگه هرمز را دربرمی‌گیرد، در طول تاریخ از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است. در طول تاریخ، خلیج فارس با دریایی بس فراخ‌تر از امروز، متمدن‌ترین مردم و قوی‌ترین دولت‌ها را در خود جای داده بود و از این نظر بر دنیای پیشرفته و متمدن آن روز برتری داشت و زمانی دیگر به علت وجود راه‌های بازرگانی شهرت داشت و با کشف نفت اهمیت آن چندین برابر گشت. در دوران رقابت‌های استعماری و همچنین در هنگامه جنگ سرد، این منطقه همچنان اهمیت اقتصادی و نظامی خود را حفظ کرده بود. با توجه به این تعاریف، کتاب خلیج فارس و مسائل آن، تألیف همایون الهی، به ارائه شناسه‌هایی از موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، جزایر و تاریخ سیاسی این منطقه و مواردی چون موقعیت ژئوپلتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آن منطقه پرداخته است، به ویژه به حضور دولت‌های فرمانتقله‌ای در این منطقه و سیاست‌ها و اهداف این قدرت‌ها توجه بیشتری میندول داشته است. اختلافات مرزی و ریشه‌یابی آن‌ها و عوامل همگرایی و واگرایی همراه با اقدامات حفظ امنیت در منطقه و تحولات اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم و نقش دولت‌های منطقه‌ای و فرمانتقله‌ای در خلیج فارس، از موارد دیگر مورد بحث این کتاب است.

این کتاب به مسائل گوناگونی پرداخته، اما بحث اصلی آن حول محور کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی در این منطقه است که بر مبنای آن کتاب به سبزه فصل تقسیم شده است.

فصل اول این کتاب به وضعیت جغرافیایی و سابقه تاریخی خلیج فارس پرداخته که در آن به نام خلیج فارس، جغرافیای طبیعی این منطقه، آب و هوای آن و موقعیت تاریخی آن اشاره‌هایی شده است.

در فصل دوم به اهمیت این آبراه از نقطه نظر ابعاد گوناگون ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیکی پرداخته و به اهمیت نفت، گاز و سایر منابع طبیعی نیز اشاره‌هایی شده است.

در فصل سوم راجع به جزایر ایرانی و عربی این منطقه توضیحاتی ارائه داده شده و در فصل چهارم به اهمیت تاریخی و حقوقی تنگه هرمز در ارتباط با ایران و سایر سرزمین‌های این منطقه از جمله عربستان، عراق و عمان پرداخته

خلیج فارس

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاص این منطقه به همراه نفت و قدرت مالی - اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس، از این منطقه چهره‌ای با قابلیت‌های بالقوه و خاص می‌سازد که چشم قدرت‌های جهانی را به این سمت خیره می‌سازد

اینکه سیاست‌های جغرافیایی این منطقه از منظر دولت‌های قدرتمند آن زمان بسیار حائز اهمیت بود، جغرافیای طبیعی و سیاسی این منطقه نیز مطرح شده است. خلیج فارس به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بسیار بااهمیت است. بر اساس تعریف خاص ژئواستراتژی، «به کارگیری استراتژی بر پایه جغرافیا توسط یک دولت» و یا «موقعیت مناسب جغرافیایی که به یک کشور برتری نظامی نسبت به رقیب و یا رقیب می‌دهد». به سخن دیگر ژئواستراتژی ترکیبی از عوامل ژئوپلیتیک و استراتژیک که مشخص کننده یک حوزه جغرافیایی معین است، یعنی آن عوامل جغرافیایی که در یک منطقه وجود دارد و قابل استفاده در حوزه استراتژی و ژئوپلیتیک است. با توجه به این مباحث و اینکه ویرایش نخستین این کتاب، در سال‌های پایانی جنگ سرد و رقابت آمریکا و شوروی در این منطقه از منظر بین المللی و پس از جنگ ایران و عراق و تشنجات به وجود آمده در این منطقه بحث و بررسی شده، بسیار حائز اهمیت است.

در فصل دوم مباحث مهمی همچون نظرات ژئوپلیتیکی از جمله نظریه‌های سیلاک و شرایبر، تئوری قلب زمین (هارتلند) مکیندر، ژئوپلیتیک هاووس هوفر، تئوری ریملند اسپایکمن و تئوری قدرت دریایی ماهان را مطرح می‌نماید. طبق تعریف گوناگون ژئوپلیتیک تا حدودی شامل وقایع تاریخی ناشی از عوامل جغرافیایی نیز می‌شود. اگر سیاست خارجی را دنباله سیاست داخلی بدانیم، انسان‌ها و نحوه بکارگیری آن‌ها در هماهنگی با اوضاع طبیعی هر کشور قرار دارند. بدین ترتیب یک عامل جغرافیایی معین ممکن است در کشورهای مختلف، زمان‌های مختلف و موقعیت‌های مختلف تاثیر متفاوتی بر سیاست خارجی داشته باشد. با توجه به این تعاریف خلیج فارس از منظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بسیار حساس توصیف شده که جز جنگ راهی برای تسلط بر آن نیست. نویسنده نگارش نخستین این کتاب را در زمانی به پایان رسانید که منطقه خلیج فارس از نظر سیاسی بسیار بحران‌زا بود و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تسلط بر آن حتی جنگ را نیز مجاز و موجه می‌دانستند. گفته شده است که «جنگ چیزی جز ادامه سیاست با ابزار دیگر نیست» و یا اینکه «جنگ پایان دیپلماسی است»، ولی شاید بتوان گفت که «سیاست آغاز جنگ است» و «جنگ هموارکننده راه اعمال سیاست است». در این مفهوم «جنگ آخرین مرحله از اعمال سیاست است» و این امر طبق نظر نویسنده به واقعیت نزدیک‌تر است، چرا که اصولاً در صحنه روابط بین الملل وقتی کشورها «تجاوز» را هدف خود قرار می‌دهند، اعم از تجاوز سرزمینی، اقتصادی و یا سیاسی، ابتدا شروع به سیاست گذاری برای این امر می‌نمایند، بطور مثال نظامی‌گری، رقابت تسلیحاتی، ورود به اتحادیه‌ها و حتی کاربرد اصطلاحاتی

شده است.

در فصل پنجم اوضاع جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس و ویژگی‌های مشترک و نقاط و مسائل اختلاف برانگیز آن‌ان آورده شده است.

در فصل ششم اختلافات سرزمینی این منطقه از جمله مرزهای دریایی و سایر اختلافات کشورهای این حوزه آمده است که اختلافات ایران و عراق، اختلافات مرزی عراق و کویت، اختلافات مرزی عراق و عربستان، اختلافات مرزی و سرزمینی شیخ نشین‌های امارات متحده عربی در آن مشهود است. فصل هفتم و هشتم، خلیج فارس را در طول تاریخ و حضور سلطه‌گران در آن بررسی نموده است. این منطقه قبل از ظهور اسلام تا هجوم پرتغالی‌ها، حضور هلند، فرانسه، انگلستان، روسیه، آلمان، بلژیک و همچنین خلیج فارس در جنگ جهانی اول و دوم تا حضور ایالت متحده آمریکا بررسی شده است. فصل نهم اختصاص دارد به سیاست‌های آمریکا در خلیج فارس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که در آن انقلاب اسلامی ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا، تحلیل سیاست آمریکا از وقایع خلیج فارس، مسئله عربستان به عنوان پایه اصلی سیاست آمریکا در منطقه، دکترین کسینجر - نیکسون در خصوص ایجاد کمربند امنیتی، نقش پاکستان، مصر، بحرین، روابط آمریکا و عمان، مسئله فلسطین - اسرائیل، نیروهای نظامی آمریکا به عنوان ابزار سلطه تشکیل نیروهای واکنش سریع بررسی شده است.

در فصل دهم سیاست اتحاد جماهیر شوروی سابق در خلیج فارس بررسی شده و فصل یازدهم اختصاص به خلیج فارس پس از جنگ سرد دارد، در رابطه با سیاست‌های آمریکا و شوروی در خلیج فارس، حمله عراق به کویت و واکنش آمریکا، تلاش‌های آمریکا برای سلطه بر جهان، حمله آمریکا به افغانستان و عراق، پایان جنگ سرد و سیاست فدراسون روسیه در خلیج فارس مباحثی مطرح گردیده است.

در فصل دوازدهم تاثیر نفت و سیاست‌های نفتی در خلیج فارس از جمله تشکیل اوپک مباحثی ذکر شده و در فصل سیزدهم شورای همکاری خلیج فارس و تشکیلات و اهداف آن‌ان آمده و به بحث مهم کارگران مهاجر در این منطقه پرداخته شده است.

دکتر همایون الهی تحصیلات دانشگاهی در رشته علوم سیاسی را در ایران، هندوستان، انگلستان و آلمان به پایان رسانید و با توجه به تخصص خود در این رشته، مسائل خلیج فارس و کنش‌ها و واکنش‌های آن را از دیدگاه مسائل سیاسی و توجه به امور سیاسی در این منطقه بررسی نموده است. در این کتاب مباحث جغرافیایی و تاریخی بسیار کوتاه بررسی شده و با توجه به

چون «مکانی زیر آفتاب»، «فضای حیاتی»، «تنازع بقا» و غیره همگی خبر از آغاز سیاست‌هایی می‌دهند که به جنگ ختم می‌شود. تاریخ پنج قرن گذشته حداقل نشان دهنده این واقعیت است. پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نه تنها از اهمیت این منطقه نکاست، بلکه آن را بیشتر از گذشته در مرکز توجه جهانی قرار داد. در سی سال گذشته سه جنگ گسترده و عظیم در منطقه به وقوع پیوست که دو جنگ آن بعد از پایان جنگ سرد اتفاق افتاده است. جنگ اول حمله عراق به ایران در سال ۱۳۵۹، جنگ دوم تهاجم همه جانبه ایالات متحده آمریکا و متحدین وی به عراق در سال ۱۳۶۹ به بهانه تجاوز عراق به کویت و در جنگ سوم حمله آمریکا و انگلستان به عراق در سال ۱۳۸۱ انجام پذیرفت. همه این تحرکات و تحریکات را باید در چارچوب اهمیت منطقه خلیج فارس از ابعاد ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک آن مشاهده کرد. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی خاص این منطقه به همراه نفت و قدرت مالی - اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس، از این منطقه چهره‌ای با قابلیت‌های بالقوه و خاص می‌سازد که چشم قدرت‌های جهانی را به این سمت خیره می‌سازد. هرچند تولید نفت در کشورهای خلیج فارس به تدریج از سال ۱۹۰۸ (۱۲۸۷) شروع شد، ولی نزدیک به نیم قرن درآمد اصلی حاصل از نفت را کمپانی‌های نفتی متعلق به دولت‌های اروپایی که بر صنایع نفت منطقه حاکمیت مطلق داشتند، تصاحب می‌کردند. آن درآمد محدود نفتی نیز که به کشورهای صادر کننده پرداخت می‌شد، اغلب در حدی بود که در نهایت هزینه‌های گزاف خانواده‌های سلطنتی و حکام مربوطه را تأمین کند و یا برای انجام پروژه‌های پرستیژی نظیر ساختن فرودگاه، بندر و توسعه ارتش هزینه شود. توده مردم همچنان از این ثروت بی‌نصیب بودند.



خلیج فارس در نقشه‌ای متعلق به ۱۵۰۲ میلادی

این درآمدها هیچگونه تحولی را در زیربنای اقتصادی - اجتماعی این کشورها موجب نشد. حتی می‌توان گفت وجود نفت عاملی شد تا راه هرگونه پیشرفت اقتصادی - اجتماعی آنان را سد کند، زیرا ادامه استثمار منابع آن‌ها منوط به عقب‌نگه داشتن کشورهای صاحب نفت بود. تا جایی که گفته شده ملت‌های صاحب نفت «گروگان» منابع نفتی خود هستند که تا امروز هم شاید به گونه‌ای دیگر این روند ادامه دارد.

با توجه به این تعاریف و مباحث، انعکاس حوادث سیاسی در این کتاب، که بخش بسیار اعظم آن را دربر گرفته و محور اصلی این اثر است، خواننده را از نظر ذهنی درگیر کنش‌ها و واکنش‌هایی در این منطقه می‌نماید. تنها در قرون معاصر است که با توجه به نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی در آن، از نفوذ و برتری ایران کاسته شده و اعمال سیاست‌های گوناگون جهانی و رقابت‌های اقتصادی و سیاسی در خلیج فارس این منطقه را میدان سیاست‌های جنگ‌طلبانه و رقابت‌های تسلیحاتی در آن نموده که تاکنون نیز ادامه دارد و به خوبی در کتاب منعکس است. در ویرایش نخستین، این کتاب به عنوان بهترین کتاب برگزیده داوران کتاب سال ۱۳۶۹ انتخاب گردید، سپس در سال ۱۳۸۶ با ویرایش جدید و ذکر حوادث به وجود آمده همانند حمله ایالت متحده آمریکا به عراق و افغانستان به علت اهمیت خاص این کتاب و دیدگاه سیاسی‌اش بار دیگر انتشار یافت.

نویسنده آگاه به مسائل روز، با تبیین درست و منطقی از حوادث جهانی و تاثیر آن بر روی این آبراه مهم درصدد بررسی کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی و اقتصادی در این منطقه است که زندگی اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن را تحت الشعاع قرار داده است. همایون الهی در بررسی خلیج فارس، مسائل خاورمیانه را نیز نادیده نگرفته و حوادث مهمی مانند جنگ اعراب و اسرائیل را نیز بیان نموده چراکه مسائل به وجود آمده در خاورمیانه تأثیر مستقیم و گاه غیرمستقیم بر خلیج فارس و کرانه‌های آن دارد. با توجه به بروز انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) و خروج کامل انگلستان در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) از این منطقه، به علت خطر صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورهای خلیج فارس که در دستور کار دولت مردان ایرانی آن زمان قرار داشت و به علت اینکه ایران دارای بیشترین خط ساحلی در خلیج فارس است و این مسئله ایران را می‌تواند از نظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی برتری دهد، سیاست‌های آمریکا را با چرخشی اساسی در قبال ایران و در ارتباط با سایر شیخ نشین‌ها مواجه می‌کند که نویسنده این حوادث و مسائل را بررسی نموده است.

در این کتاب جدول‌های مهمی از واردات و صادرات منابع و محصولات خلیج فارس و ارزش این منابع همانند نفت و گاز و آمارهای جمعیتی این مناطق به درستی آورده شده و کتاب از حیث توجه به اختلافات مرزی و سرزمین این منطقه نقشه‌هایی نیز ارائه داده است. می‌توان گفت که کتاب از لحاظ توجه به منابع فارسی، انگلیسی و روزنامه‌ها و مجلات آن دوره حائز اهمیت است و به علت اینکه نویسنده در متن وقایع حاضر بوده و علاوه بر مطالعات دقیق، خود نیز به علت تخصص در حوزه علوم سیاسی و مسائل بین‌المللی توانسته حوادث و وقایع را به درستی تبیین نماید، به ارزش کتاب افزوده است. امید است کشورهای حوزه خلیج فارس برای بقا و دوام خود تمام تلاششان را در جهت تقویت عوامل همگرایی به جای واگرایی به کار گیرند.